

ابتکار شعری نابینایان

مصاحبه با خانم صادقی تبار نویسنده صور خیال در شعر شاعران نابینا

مصاحبه کننده: علی نوری

توضیح

بسیاری از نابینایان، ناشنوایان و آسیب‌مندان حرکتی و ذهنی با تلاش و کوشش فراوان به نوآوری‌ها و ابتکاراتی دست یافته‌اند؛ اما متأسفانه کمتر نهاد یا شخصی به معرفی اینان پرداخته است. از اینرو معلولان مبتکر که تعداد آنها در طول تاریخ کم نیست همواره ناشناخته و مهجور مانده‌اند. دفتر فرهنگ معلولین و ریاست عالی آن حجت الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی بر شناسایی و معرفی معلولان فرهیخته تأکید فراوان داشته و طی چهار سال که از عمر این مؤسسه می‌گذرد شخصیت‌های بسیاری شناسایی و معرفی شده، نیز آثاری که محتوای ابتکاری داشته، اطلاع‌رسانی شده است. اکنون به گفتگو با خانم صادقی تبار، نویسنده این اثر می‌پردازیم.

است که بسیاری از زشتیها را نمی بینند.

*** دستاوردها و یافته‌های خود در این زمینه پژوهشی که می‌تواند برای مسئولان فرهنگی کشور یا برای مدیران نهادها و مراکز معلولیتی یا دیگر افراد مرتبط به روشندان مهم و درس آموز باشد معرفی بفرمایید؟**

خود بنده قبل از شروع کار درباره نابینایان اطلاع چندانی از زندگی آنها نداشتیم؛ جهان نابینایان را جهانی تاریک تصور میکردم در واقع این تصور من به دلیل عدم آگاهی و شناخت این قشر از جامعه بود که به خوبی شناسانده نشده‌اند و مردم به دلیل عدم آگاهی از آنها فاصله می‌گیرند. این قشر و توانایی‌های آنها با معرفی توانمندی‌های آنها در جامعه توصیه می‌شود. روشندان اغلب افراد با هوش و توانمندی هستند که با بها دادن به آنها در جامعه می‌توان از ظرفیت استعداد آنها بهره برد. در واقع معرفی شاعران نابینای بی‌شماری که به یقین در حال حاضر وجود دارند و معرفی و احیای دیوان شاعران نابینایی که در گذشته زندگی کرده‌اند کمک بزرگی به زبان و ادبیات فارسی و همچنین به جامعه نابینای کشور خواهد بود. در مورد کارهای پژوهشی که درباره شعر نابینایان قابل انجام است پیشنهاداتی است که در انتهای پایان نامه‌ام ذکر کرده‌ام که در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می‌کنم.

*** شما کار ابتکاری و مهمی نموده‌اید؛ پایان نامه شما مثل بسیاری از پایان‌نامه‌ها تکراری نیست؛ هم در انتخاب موضوع و هم در محتوا، کار نوانجام داده‌اید؛ مهم‌تر اینکه برای روشندان کار کرده‌اید و حتماً اجر و پاداش معنوی خواهید داشت، خود شما چه احساسی دارید.**

دغدغه عمده خود بنده انجام کاری نو و اجتناب از تکرار سخنها مکرر و بعضاً بی‌فایده بود، گرچه در جزییات کار از برخی ناپختگی‌های خودم راضی نیستم، اما از کلیت کار و اینکه توانسته‌ام موضوعی را که تا کنون درباره آن کاری انجام نشده را برجسته نمایم بسیار خشنودم و خشنودتر اینکه درباره گروهی از مردم جامعه‌ام کار کرده‌ام که حس می‌کنم همیشه مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند و امیدوارم این کار سرآغاز پژوهشهای گسترده‌تری در این زمینه باشد.

*** ابتکار و نوآوری شما باید از طرف NGOهای معلولان، مدیران فرهنگی جامعه، وزیر محترم ارشاد و معاون فرهنگی ارشاد، حداقل ریاست دانشگاه قم و استاد راهنمای شما اطلاع‌رسانی می‌شد و مورد تشویق قرار می‌گرفت تا دیگران هم رغبت و شوق پیدا کنند و این جنبه فرهنگ دینی و ملی ما مورد توجه و عنایت قرار گیرد. از سال ۱۳۹۲ که این پایان نامه دفاع شده تا کنون یعنی حدود دو سال، آیا اقدامی در این زمینه از جانب کسانی که نام برده شد انجام گرفته، آیا اصلاً با شما تماسی گرفته‌اند و حداقل تشکر کرده‌اند؟**

*** سرکار خانم فاطمه صادقی تبار لطفاً مختصری از زندگی نامه و فعالیت‌های خود را بفرمایید؟**

فاطمه صادقی تبار هستم. اسفند ماه سال ۱۳۶۱ در شهر قم به دنیا آمدم. متأهل هستم و دو فرزند پسر دارم. مدرک کارشناسی ام را سال ۸۷ از دانشگاه پیام نور قم در رشته زبان و ادبیات فارسی اخذ کردم و در سال ۹۲ مدرک کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه قم دریافت کردم. موضوع پایان نامه ام بررسی و نقد صور خیال در شعر شاعران نابینا با تأکید بر غزلیات شوریده شیرازی بود و در حال حاضر در حال تدوین مقاله‌ای در همین رابطه می‌باشم. در ضمن در سال تحصیلی گذشته در مقطع دبیرستان دروس ادبیات و زبان فارسی را تدریس می‌کردم.

*** به چه دلیل جذب موضوع صور خیال شاعران نابینا شدید؟ آیا با مطالعات خودتان به این نتیجه رسیدید یا کسی پیشنهاد کرد؟**

در واقع تمایل بنده در رابطه با بررسی صور خیال بود و پیشنهاد این موضوع از جانب استاد راهنمای بنده جناب آقای دکتر کاردرگر بود که به نظر موضوع بکر و جالبی بود.

*** سابقه مطالعات خود درباره معلولان و به ویژه روشندان و شاعران روشندل و تجاربی که در این راه کسب کردید چیست؟**
زمانی که این موضوع را در دست بررسی قرار دادم به هیچ عنوان فکر نمی‌کردم که جامعه روشندل کشورمان در طول تاریخ و حتی در دوران معاصر تا این حد مهجور باشد که تا کنون شعرشان به عنوان یک شعر مشخص و دارای هویت مستقل بررسی نشده باشد. جستجوی نام این شاعران در لابلای اوراق تذکرها و جستجوی دیوانشان در لابلای نسخ خطی حاصل چندانی در برنداشت و تنها حقیقت مهجور بودن این شاعران را آشکار ساخت. در واقع خود بنده در باره زندگی این گروه از افراد جامعه خالی‌الذهن بودم و شایسته دیدم ابتدا اندک اطلاعاتی درباره نحوه تعامل روشندان با محیط اطراف کسب کنم. در این راستا چند مقاله و کتاب درباره نحوه تصویر سازی ذهنی نابینایان و نحوه بهره‌مندی از حواسی غیر از بینایی و تجربیات زندگی نابینایان در کتابهایی چون دنیای کوران و خاطرات زندگی هلن کلر را مطالعه کردم. گفتگوی حضوری با نابینایان و بررسی سایتهای متفاوت و کسب اطلاعات جسته و گریخته در این سایتهای مرا اندک اندک با دنیای نابینایان آشنا کرد. در مورد شعر نابینایان در حین انجام کار با دو شاعر نابینا آقای موسی عصمتی و خانم مهین زورقی آشنا شدم. با هر دوی ایشان مصاحبه تلفنی صورت گرفت و اطلاعاتی درباره زندگی و شعرشان کسب کردم. در واقع حاصل این جستجوها برای من این بود که دنیای این عزیزان فاصله زیادی با دنیای ما ندارد و حسن بزرگی که نابینایان دارند این



باشد. به عنوان مثال مرحوم دکتر خزائی که از نابینایان موفق و نابغه کشورمان بوده‌اند می‌تواند به عنوان یک الگو برای نابینایان معرفی شود خود من تا پیش از انجام این تحقیق با ایشان آشنا نبودم و متأسفانه تلاشهای من برای دسترسی به اشعار ایشان بی حاصل بود. البته در سالهای اخیر آموزش و پرورش سعی داشته بزرگان معاصر را در قالب درسهایی در کتابهای ادبیات بگنجاند؛ به عنوان مثال در کتاب ادبیات فارسی دوم دبیرستان گوشه‌هایی از

زندگی طه حسین نابینای مصری آورده شده است. این کار خوبی است ولی بهتر است فرزندان سرزمینمان با بزرگان کشور خودشان هم آشنا شوند. در این مسئله می‌توان نهادهایی را که متولی امور معلولان هستند را بیشتر مقصر دانست چرا که در معرفی و ترغیب این عزیزان آنچنان که شایسته است تلاش نکرده‌اند. در صحبتی که من با نابینایانی که مشغول تحصیل در رشته ادبیات هستند، داشتم؛ اغلب از کمبود امکانات سخن می‌گویند و اغلب از عدم دسترسی به انواع کتابها گلهمند هستند و من چون رشته تحصیلیم ادبیات فارسی است و میدانم علاقمندان این رشته چه علاقه بی حدی به مطالعه کتب گوناگون دارند این مشکل را عمیقاً درک می‌کنم.

*** به نظر شما آیا صور خیال در ناشنوایان هم قابل بررسی است؟**
 زیرا آنان هم نمی‌توانند صداهای زیبا را بشنوند، صدای زیبای اذان، یا صدای زیبای قاری قرآن، صدای زیبای آبخار و صدای زیبای یک سمفونی یا یک ترانه زیبا را ناشنوا نمی‌تواند بشنود، از اینرو ممکن است گفته شود پس توانایی تخیل صور زیبا را ندارد و نمی‌تواند آنها را توصیف کند؟ از اینرو شعر شاعران ناشنوا هم از منظر صور خیال قابل بررسی است؟

– به نکته جالبی اشاره کردید قطعاً صور خیال در شعر ناشنوایان هم قابلیت بررسی دارد چرا که برخی زیبایی‌ها از راه شنیدن قابل درک است و آنها از این نعمت محروم هستند.

*** برنامه شما برای این پایان نامه چیست؟ می‌خواهید چاپ و منتشر کنید؟ می‌خواهید تکمیل کنید یا تدبیر دیگر دارید؟**

در حال حاضر در حال تدوین مقاله ای مرتبط با موضوع پایان‌نامه‌ام هستم که انشاءالله پس از تکمیل آن قصد دارم نواقصی را که حس می‌کنم در پایان نامه ام وجود دارد را رفع کنم. و بعد از آن اگر امکانی فراهم بود آنرا چاپ نمایم. اگر تمایل داشته باشید به طور متناوب می‌توانم بخشهایی از پایان نامه و مقاله و تجربیاتم در این زمینه را پس از بازبینی جهت چاپ در مجله مذکور ارائه دهم. همچنین می‌توانم خلاصه پایان نامه را در قالب یک مقاله بیست صفحه‌ای خدمتتان ارائه دهم. به هر روی انشاءالله اگر در دوره‌های بالاتر امکان تحصیل داشته باشم تحقیق در همین موضوع را ادامه خواهم داد و در پایان امیدوارم بتوانم تحقیقاتم را به جایی برسانم که برای جامعه روشنفکران کشور نور آملی هر چند کم فروغ ارائه دهم.

متأسفانه به نظر می‌رسد هیچ نهاد مرتبطی از عنوان پایان نامه من اطلاع نداشته باشد و دانشگاه قم هم گویا مسئولیتی در قبال این کار و یا کارهای مشابه جهت معرفی عهده دار نباشد. استاد راهنمای بنده هم که خودشان این موضوع را پیشنهاد کرده‌اند و فکر میکنم پیش از من ایشان شایسته تقدیر و معرفی هستند. ایشان اعتقاد راسخی درباره تحقیق و توسعه بیشتر این موضوع داشتند. و البته شایسته تر است دانشگاهها با مؤسسات مرتبط با معلولان همکاری بیشتری داشته باشند هم در جهت انجام کارهای این چنینی و هم در جهت اطلاع رسانی.

*** خود شما چرا کارتان را معرفی نکردید؟**

از آنجایی که این کار اولین تجربه تحقیقاتی بنده بود و روند انجام پایان نامه کمی با سرعت انجام می‌شود و این موضوع بدون هیچ منبع تحقیقی برای من موضوعی پیچیده بود. تحقیقات و یافتن دیوانهای شعراء کار سخت و طاقت فرسایی بود و من با وجود وظایف دیگر بارها مجبور شدم برای خرید کتاب یا استفاده از کتابخانه ای به تهران مراجعه کنم. با این تفاسیر رساله‌ام را نیازمند بازبینی و تکمیل می‌دیدم و صراحتاً بگویم فکر نمی‌کردم نهادی مشتاق باشد که کاری در این رابطه را برجسته کند. گرچه کم کاری خودم را می‌پذیرم.

*** فکر می‌کنید کارهای دیگر اینچنینی هست که نیاز به معرفی دارد ولی کار نشده است؟**

در رابطه با موضوعات این چنینی بنده اطلاع دقیقی ندارم؛ حداقل در دوره تحصیل من و پایان نامه‌هایی که من به آنها دسترسی داشتم، مورد خاصی مشاهده نکرده‌ام. ممکن هست که درباره معلولان کارهایی صورت گرفته باشد که مهجور مانده باشد.

*** متأسفانه در جامعه ما در گروه‌های ورزشی یا هنری و غیره گاه کارهای خیلی کوچکتر مثل گل زدن یک فوتبالیست در مسابقات داخلی، با سر و صدا و طرح در رسانه‌های ملی و صدا و سیما مطرح است ولی اینگونه اقدامها به رغم اهمیت توجه داده نمی‌شود؟ فکر می‌کنید چرا؟**

این مسئله می‌تواند به نوع نگرش غالب بر جامعه مربوط باشد. جامعه ما کمتر به دنبال یک کتاب مفید است و بیشتر به دنبال یک رویداد پر سر و صدا اما میان تهی است. روح پژوهش در جامعه ما کمتر مورد توجه است و تکرار مکررات و اهمیت مدرک در جامعه امری عادی شده است. این حقیقت که اصل پژوهش گفتن سخنی نو و تازه و بررسی یک موضوع مغفول است، فراموش شده است.

*** برگردیم به متن پایان نامه، شما در بیان مسئله نوشته‌اید نابینایان در شعر و کلا در ادبیات، آثار مهم و ماندگار و مؤثری دارند، اما جامعه علمی هیچ‌گاه این آثار را مورد نقد و تحلیل عالمانه قرار نداده است. اساساً هیچ‌گاه در طول تاریخ شنیده نشده که شعر و ادب این قشر مثل کوفیان، بصریان، فقهاء، خراسانی‌ها، اصفهانی‌ها و دیگر اقشار مورد توجه قرار گرفته باشد. به نظر شما چرا؟ چرا نابینایان و معلولان به رغم ابتکارات مهمی که دارند، همواره مغفول بوده‌اند؟ راه دور نرویم در همین دوره خودمان انواع جشنواره‌ها برای تکریم از کتاب و نویسندگان هست مثل کتاب دانشجویی، آثار معلمان، آثار مؤلفان کرمان یا شیراز یا اصفهان، کتاب حوزه علمیه و طلاب، شعر روحانیون، کتاب فصل، کتاب سال و غیره اما تا کنون شنیده نشده خانه کتاب و وزارت ارشاد مراسمی برای تکریم کتاب معلولان یا روشنفکران برگزار کند؟ چرا؟**

همانطور که ذکر شد قشر معلول جامعه ما قشری است که همواره در پس پرده انکار قرار گرفته اند. شاید آنها نتوانسته اند از حق خود دفاع کنند و جامعه ما هم بیشتر به دنبال مسائل پیرس و صدا اما میان تهی است. یک روشنفکر قطعاً نمی‌تواند خالق یک رویداد ورزشی پر سرو صدا باشد اما می‌تواند خالق یک فکر و اندیشه پویا و اثربخش در جامعه